



The Function of Iranian Nationalism in Azeri-Inhabited Areas Based on Constructivism Theory

Sayed Mostafa Mousavi¹ | Asghar Partovi^{2*} | Sayed Farshid Jafari³

- 1- PhD Student in Political Science (Specialization: Iranian Affairs), Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran
Smostafa97@mailfa.com
- 2- Corresponding Author: Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran
asgpar@yahoo.com
- 3- Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran Fjafariz@gmail.com

Volume info

Vol. 19
Series: 70
Spring 2026
P.P: 125-155

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-08-04
Revised:
2025-10-07
Accepted:
2025-12-07
Published:
2026-06-15

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Abstract

Although the Western origin of nationalism has been emphasized in recent centuries, a sense of nationalism has existed in social interactions between individuals since ancient times. Nationalism can be presented with a negative and positive approach. This study, with a positive approach and attitude, has examined the functions of Iranian nationalism in Azeri-populated areas with a descriptive-analytical method and library collection. Language, land, common culture, or a sense of belonging to a community and the like have always been a driving force and influential in strengthening and developing the positive dimension of nationalism. Reza Shahi's project attempted to revive the ancient values of pre-Islamic Iran. The combination of ideology and religious beliefs with Iranian nationalism in Azeri-populated areas created different capabilities and functions compared to other societies, which is inconsistent with its religious-based approach. Expressing hatred of foreigners, confronting the occupation, not supporting the Azerbaijani and Persian goods, opposing the Russian-British agreement, forming social movements, resisting the occupiers, taking a stance on the arrest of Imam Khomeini (RA), opposing the law of provincial and provincial associations, taking the lead in joining Mossadegh's national movement, and taking the lead in accompanying the Islamic Revolution have been among the functions of Iranian nationalism. The findings of the research indicate that positive dimensions of nationalism have been built in the Azeri-populated areas. In a way that it took on an anti-authoritarian form against internal tyranny and was built with a focus on preserving Iranian unity and identity.

Keywords: Nationalism, Iranian nationalism, Azeri-populated areas, constructivism

Cite this Article: Mousavi, Seyed Mostafa, Partovi, Asghar, & Jafari, Seyed Farshid. (2026). The Function of Iranian Nationalism Based on Constructivism Theory (Case Study: Azeri-Inhabited Regions). *Afagh-e Amniyat Quarterly*, 19(70), 125-155.



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



کارکرد ناسیونالیسم ایرانی بر مبنای نظریه برساخت گرایی (مورد مطالعه مناطق آذری نشین)

سیدمصطفی موسوی^۱ | اصغر پرتوی^{۲*} | سیدفرشید جعفری^۳

Smostafa97@mailfa.com

asgpar@yahoo.com

Fjafariz@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران

۲. نویسنده مسئول: گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران

۳. گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران

چکیده

گرچه منشاء غربی بودن ناسیونالیسم را قرن‌های اخیر تأکید می‌کنند، لیکن در تعاملات اجتماعی حس ناسیونالیستی بین افراد از گذشته‌های دور وجود داشته است و اساساً فرهنگی است. ناسیونالیسم با رویکرد منفی و مثبت قابل طرح است. این پژوهش با رویکرد و نگرش مثبت، با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای به بررسی کارکردهای ناسیونالیسم ایرانی در مناطق آذری نشین پرداخته است. زبان، سرزمین و فرهنگ مشترک و یا احساس تعلق داشتن به یک جامعه و امثال آن همواره به عنوان نیروی محرکه و تأثیرگذار بر تقویت و توسعه بُعد مثبت ناسیونالیسم بوده است. پروژه رضاشاهی تلاش می‌کرد تا ارزش‌های باستانی ایران پیش از اسلام را دوباره احیا کند. تلفیق ایدئولوژی و اعتقادات مذهبی با ناسیونالیسم ایرانی در مناطق آذری نشین قابلیت و کارکردهای متفاوتی را نسبت به سایر جوامع برساخت که با رویکرد دین ستیزانه آن همخوانی ندارد. ابراز تنفر از بیگانگان، مقابله با اشغالگری، عدم حمایت از غائله آذربایجان و پیشه‌وری، مخالفت با توافق روس و انگلیس، تشکیل جنبش‌های اجتماعی، مقاومت با اشغالگران، موضع‌گیری نسبت به دستگیری امام خمینی (ره)، مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، پیشتازی در پیوستن به نهضت ملی مصدق، پیشتازی در همراهی با انقلاب اسلامی از جمله کارکردهای ناسیونالیسم ایرانی بوده که در نتیجه آموزش، تعاملات رفتاری، اجتماعی، فرهنگی، ارتباطات اجتماعی و کنش متقابل بین‌الذهانی افراد جوامع برساخته شده است. یافته‌های پژوهش نیز حاکی از برساخته شدن ابعاد مثبت ناسیونالیسم در مناطق آذری نشین می‌باشد. به نحوی که در برابر استبداد داخلی شکل ضد استبدادی به خود گرفت و با تمرکز بر حفظ یکپارچگی و هویت ایرانی برساخته شد.

کلیدواژه‌ها: ناسیونالیسم، ناسیونالیسم ایرانی، مناطق آذری نشین، برساخت گرایی

سال و شماره

سال ۱۹، پیاپی: ۷۰

بهار ۱۴۰۵

صص: ۱۵۵-۱۲۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



استناد: موسوی، سیدمصطفی، پرتوی، اصغر و جعفری، سید فرشید. (۱۴۰۵). کارکرد ناسیونالیسم ایرانی بر مبنای

نظریه برساخت گرایی (مورد مطالعه مناطق آذری نشین). فصلنامه آفاق امنیت، ۱۹(۷۰)، ۱۲۵-۱۵۵.



نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).



مقدمه

ناسیونالیسم از جمله ایدئولوژی‌هایی است که از زمان تولد و ظهور آن در اروپای سده‌های اخیر تاکنون، تأثیر بسیار قابل ملاحظه‌ای بر چهره سیاسی و فرهنگی غالب کشورهای جهان برجای گذاشته است. ناسیونالیسم مراحل مختلف رشد و تکامل را در اروپای طی کرد و به تدریج به یکی از اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین ایدئولوژی‌های کشورهای اروپایی تبدیل شد. ظهور مفاهیمی نظیر؛ ملت، ملیت، هویت ملی، دولت ملی، کشور و غیره با تکوین و تکامل اندیشه ناسیونالیسم مرتبط بوده است. طی سده نوزدهم میلادی ناسیونالیسم در اروپا به دوران اوج شکوفایی خود رسید و از آن زمان به مرور وارد سایر کشورهای جهان و به‌خصوص خاورمیانه شده و در سطح سیاسی و فرهنگی این سرزمین‌ها به اشکال گوناگون رواج یافت. طی این دوران ناسیونالیسم جلوه‌ها و اشکال گوناگونی پیدا کرده و در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ انواع متعددی از این اندیشه پدید آمده است. درعین حال؛ نظریه‌های ناسیونالیسم به مسائل گسترده‌تر و روندهای وسیع‌تری در علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی معرفت، تأثیر ایدئولوژی‌ها، صورت‌بندی جوامع و جنبش‌ها، نقش دولت، جهت‌دار بودن تاریخ مدرن و یا فقدان این جهت‌گیری می‌پردازند.

بیان مسئله

پیرامون جریان ناسیونالیسم مطالعات زیادی صورت گرفته است. لیکن کمتر پژوهشی به کارکردهای آن پرداخته. مطالعه و شناخت کارکردهای ناسیونالیسم ایرانی می‌تواند ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را جهت قوام بخشی و تقویت انسجام ملی جامعه ایرانی فراهم نماید. مطالعه پدیده ناسیونالیسم از چند نظر اهمیت دارد: امکان بازنگری و بازاندیشی آن را در ایران فراهم می‌کند، میزان تعلق گروه‌های متنوع اجتماعی را به ناسیونالیسم و گرایش‌های آن را بازنمایی می‌کند، دیگر اینکه ناسیونالیسم و گرایش‌های ناسیونالیستی در فرایند ملت‌سازی و پیوند دادن گذشته، حال و آینده ملت نقش اساسی ایفا می‌نماید. این نوشتار درصدد است کارکردهای ناسیونالیسم ایرانی را در مناطق آذری‌نشین بر مبنای نظریه برساخت‌گرایی با ذکر مصادیق و نمونه‌های تاریخی، مورد واکاوی قرار داده و انعکاس‌های فکری و فرهنگی آن را احصاء نماید. براین اساس مهمترین هدف تحقیق بررسی انواع ناسیونالیسم و ناسیونالیسم ایرانی با رویکرد و نگرش مثبت است تا براساس آن

بتوان آسیب‌های این حوزه را شناسایی و احصاء نموده و با ارائه راه کارهای عملیاتی و اجرایی به کارشناسان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در مناطق آذری‌نشین؛ یاری رساند.

این پژوهش حول دو محور ذیل متمرکز بوده است: اول؛ بیان چیسیتی نظریه‌ی برساخت‌گرایی، و به‌کارگیری آن در واکاوی‌های ناسیونالیسم ایرانی؛ دوم؛ تبیین کارکرد ناسیونالیسم ایرانی بر مبنای نظریه برساخت‌گرایی در مناطق آذری‌نشین با محوریت شهر تبریز.

قلمرو زمانی: تمرکز زمانی این تحقیق از دهه‌ی ۱۳۰۰ تا آغاز جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران را شامل شده است.

روش تحقیق

این پژوهش، از لحاظ روش‌شناسی، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و جهت گردآوری داده‌ها، از روش اسنادی، تاریخی و کتابخانه‌ای، بر مبنای پرسش‌های ارائه شده کارکرد ناسیونالیسم ایرانی در مناطق آذری‌نشین را بر مبنای نظریه‌ی برساخت‌گرایی مورد مطالعه قرار داده است.

ادبیات نظری

برساخت‌گرایی: برساخت‌گرایی اجتماعی یک نظریه‌ای است که ریشه در علوم اجتماعی داشته و نگاهی برساخت‌گرایانه به جهان اجتماعی دارد. معتقد است پدیده‌های انسانی اموری برساخته‌اند و این برساختگی نیز به گونه‌ای اجتماعی در جریان کنش متقابل بین‌الذهنی تحقق می‌یابد.

ناسیونالیسم^۱: واژه ناسیونالیسم را فرهنگ معین به معنی تعصب ملی، احساسات ملی، فرهنگ عمید به معنی دلبستگی شدید کسی یا گروهی به نژاد، فرهنگ، زبان و همه‌مظاهر ملیت و قومیت خودی، ملی‌گرایی تعریف کرده است. اردکانی اعتقاد دارد؛ ناسیونالیسم یک ایدئولوژی است که در دوره‌ی جدید بوجود آمده، به همین جهت در تعریف آن نیز اختلاف نظر وجود دارد. ناسیونالیسم "بر اساس خون، نژاد، زبان، مذهب، منطقه و غیره" (Llobera, 1999) نیز تعریف می‌شود. «رابیندرانات تاگور»^۲ ایده‌های نهفته در ناسیونالیسم را طبقه‌بندی کرده و ناسیونالیسم را

1 . nationalism

2 . Rabindranath Tagore

مکانیزم سازمانی ناشی از افراط‌های اقتصادی و تکنولوژیکی معرفی کرده است. ملی‌گرایی به معنای داشتن حس قوی عشق، احترام و وفاداری نسبت به کشور خود است. «موهبت راجک»^۱ بر این باور است که؛ «مردم یک ملت هویت، فرهنگ، زبان، تاریخ و اهداف مشترکی دارند و باید برای محافظت و توسعه کشور خود متحد بمانند» (Rajak, 2025).

ناسیونالیسم ایرانی: ناسیونالیسم یک ایده و جنبش است که هدف آن ترقی بخشیدن به منافع یک ملت است. ناسیونالیسم در سیاست معمولاً به عنوان یک زیر مجموعه برای دیگر باورهای همسو شناخته می‌شود و قابلیت ارتجاع به «راست و چپ» را داراست.

منافع ملی: مهم‌ترین انگیزه‌ها و ارزش‌ها، عالی‌ترین اهداف و حیاتی‌ترین نیازهای هر کشور را که به کنش‌ها و رفتار آن در عرصه بین‌المللی شکل داده و آن را هدایت می‌کند منافع ملی می‌گویند.

ملت: ملت در اصطلاح قرآن به معنی راه و روش و طریقه‌ای است که از طرف یک رهبر الهی بر مردم عرضه شده است. مثلاً می‌فرماید: «مَلَّةٌ اَبْرَاهِیم» یعنی راه و روش پدر شما ابراهیم. یا می‌فرماید: «مَلَّةٌ اَبْرَاهِیم حَنِیْفًا» (راغب اصفهانی) در کتاب مفردات القرآن می‌گوید: «ملت و املاک که همان املاء است از یک ریشه است، «فلیملل ولیه بالعدل» یعنی ولی او از روی عدالت املاء کند. راغب می‌گوید: «علت اینکه یک طریقه الهی «ملت» نامیده شده است این است که از طرف خداوند املاء و دیکته شده است».

امروز «ملت^۱» به یک واحد اجتماعی گفته می‌شود که براساس مؤلفه‌های گوناگونی از قبیل؛ نژاد، زبان، سرزمین و یا تاریخ و فرهنگ مشترک تعریف شده است. دیگر اینکه؛ «ملت» پدیده‌ای «طبیعی» یا «واقعی» نیست، بلکه ملت پدیده‌ای کاملاً سیاسی است. (Mozampour, 2004, pp. 35 to 39).

امت: اُمت واژه‌ای عربی به معنای قوم، قبیله، عشیره، گروه‌های نژادی و نیز ملت یا جامعه‌ای مذهبی است که تحت لوای هدایت یک پیامبر قرار دارد. این واژه در قرآن کریم ۵۹ بار به صورت مفرد یا جمع آمده است. در قرآن اُمت به معنی مردم و یا عده‌ای از انسان‌ها که با یکدیگر پیوند دینی دارند آمده و در حدیث که بارها به صورت‌های «اُمت محمد»، یا «اُمتی» (از زبان پیامبر)، یا

1. Nation

«أُمَم» وارد شده، به معنی جماعتی به کار رفته است که از یک پیامبر پیروی می کنند. قرآن کریم واژه امت را برای تمام جنبندگان زمین و نیز در خصوص پرندگان بکار برده است و آنها را تشبیه به امت های انسانی کرده و حتی برایشان حشر در قیامت را ادعا کرده است. در آیه ۳۸ سوره مبارک انعام آمده است:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ.

«هیچ جنبنده ای در زمین، و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه امت هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می گردند».

ایدئولوژی: در فرهنگ عمید به معنی جهان بینی، مرام یا مسلک سیاسی یا اجتماعی آمده است. در فرهنگ فارسی معین به معنی انواع و اقسام سیستم های فکری و فلسفی و منجمله مذهب که به نوعی در تعیین خط مشی، مؤثر باشد. «ایدئولوژی مجموعه ای آگاهانه یا ناآگاهانه از افکار، باورها و نگرش هاست که برداشت ها و سوء برداشت های ما را از جهان سیاسی و اجتماعی شکل می دهد».

یک ایدئولوژی با سیاست و قدرت سیاسی نیز ارتباط دارد که در تعاریف با رویکرد سیاسی به خوبی مشخص می باشد. «ایدئولوژی عمل سیاسی را هدایت و پشتیبانی، محدود و متحقق می کند و در عین حال به مثابه بزرگ ترین نیروی محرک عمل سیاسی توده ها به کار می رود» (Mozampour, 1383, p. 21).

برساخت گرایی

برساخت گرایی اجتماعی جزو ارکان یکی از رشته های خویشاوند آن یعنی جامعه شناسی است. تعاریف متعددی از برساخت گرایی توسط نویسندگان ارائه شده، منتهی از میان آنها نمی توان تعریف واحدی یافت لیکن آنچه تمام این نویسندگان را به هم پیوند می دهد نوعی «شباهت خانوادگی»^۱ است. هریک از اعضای خانواده ای واحد ویژگی های متفاوتی دارند. برساخت گرایی اجتماعی تأکید می کند که باید آن دسته از شیوه های درک جهان از جمله درک خودمان را که

۱. مفهوم شباهت خانوادگی (Family Resemblance) منسوب به لودویگ ویتگنشتاین، فیلسوف اتریشی الاصل قرن بیستمی، است.

بدیهی تلقی کرده‌ایم به دیده انتقادی بنگریم. برساخت‌گرایی اجتماعی می‌خواهد به این دسته از دیدگاه‌های خودمان نگاهی انتقادی داشته و آن‌ها را تحت سؤال قرار دهیم. بنابراین برساخت‌گرایی اجتماعی یک نظریه‌ای است که مفهوم آن در تقابل با رویکردهایی قرار می‌گیرد که در علم سنتی از آن‌ها به عنوان اثبات‌گرایی^۱ و تجربه‌گرایی^۲ یاد می‌شود.

می‌توان گفت؛ برساخت‌گرایی بیشتر یک رهیافت است که خود از ترکیب سایر رویکردها تشکیل می‌شود و در تلاش است تا به نحوی نارسایی‌ها و کاستی‌های نظریه‌های گوناگون را با بهره‌گیری از برخی گزاره‌های خود آن‌ها، برطرف کند. به عبارت دیگر برساخت‌گرایی رویکردی است که ریشه در علوم اجتماعی دارد و نگاهی برساخت‌گرایانه به جهان اجتماعی دارد. بدین معنی که تمامی دانش و پدیده‌های انسانی را اموری برساخته می‌داند که این برساختگی نیز به گونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین‌الذهنی است (Mottaqi 2015, p. 12). دانش‌های ما ناشی از تعامل‌های روزمره‌ای‌اند که در زندگی اجتماعی بین ما وجود دارد. پس تعامل‌های اجتماعی گوناگون و خصوصاً زبان برای برساخت‌گرایی اجتماعی اهمیت بسیار زیادی دارد. اموری که در زندگی روزمره بین مردم جریان دارند در حکم رویه‌هایی‌اند که دانش مشترک‌مان را برمی‌سازند (Ber, 2015, p. 9).

برساخت‌گرایی اجتماعی فکر این ایده است که دانش ما برداشتی مستقیم و سراسر از واقعیت است. در حقیقت شاید بتوان گفت ما به مثابه یک فرهنگ یا جامعه روایت‌های خاص از واقعیت را بین خودمان برمی‌سازیم. "از این رو، اندشمندان برساخت‌گرا تلاش می‌کنند مجموعه‌ای از فرض‌ها و استنباط‌ها را درباره واقعیت اجتماعی^۳ مطرح کنند و شیوه تحلیل این واقعیت را به منظور آشکار کردن دینامیزم اجتماعی و فرهنگی دنبال کنند. درواقع، در برساخت‌گرایی اجتماعی، هیچ حقیقت عینی عیان نمی‌شود، اما به «برساخته شدن معنا» توجه می‌شود" (Naqibzadeh, 2013, p. 11).

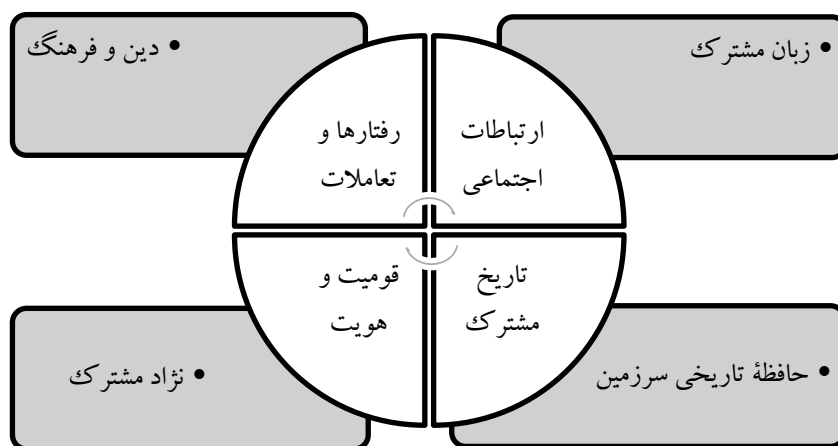
برساخت‌گرایی با تکیه بر ارتباطات، رفتارها و تعاملات اجتماعی، تاریخ و حافظه تاریخی مشترک، هویت و قومیت مشترک در فرایند زمانی با کنش‌های زبانی و گفتگمانی برساخته شدن و

1 . positivism

2 . empiricism

3 . Social Reality

همگرایی در جامعه را در راستای حافظه تاریخی و سرزمین مشترک، قومیت و نژاد مشترک، دین و فرهنگ مشترک را رقم می‌زند. شکل ۱ ارتباط عوامل مؤثر در برساخت گرایی را نشان می‌دهد.



شکل ۱، عوامل مؤثر در برساخت گرایی.

ناسیونالیسم^۱

واژه‌ی ناسیونالیسم، از دو بخش «ناسیون» به معنای ملت و پسوند «ایسم»، تشکیل شده است. اندیشه‌ی ناسیونالیسم یا «ملی‌گرایی» و «ملت‌گرایی»، در ساده‌ترین تعریف، عبارت است از مکتب شناخت و پاسداری منافع ملی، چنان که از این عبارات استنباط می‌شود؛ عنصر اصیل مکتب ناسیونالیسم (ملی‌گرایی، ملت‌گرایی)، «ملت» است و می‌توان گفت که بدون شناخت ملت، شناخت راستین ناسیونالیسم، امکان‌پذیر نیست (Tale, 2010, p. 5). ارنست بی. هاس، در بررسی خود از چهار نظریه‌پرداز در مورد ناسیونالیسم، چهار دیدگاه متفاوت در مورد ناسیونالیسم می‌یابد. «دادلی سیرز ناسیونالیسم را به عنوان یک سیاست اقتصادی تعریف می‌کند، در حالی که بندیکت اندرسون این اصطلاح را نوعی هویت زبانی ساختگی می‌داند. آنتونی اسمیت به ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی خاص همبستگی مبتنی بر ریشه‌های پیشاصنعتی اشاره می‌کند. در مقابل،

1 . Nationalism

2 . Nation

ارنست گلنر معتقد است که این امر نتیجه صنعتی شدن است که منجر به یک سازمان اجتماعی و سیاسی می‌شود» (Dikshi, 2022, p 230).

ملت و ناسیونالیسم

ناسیونالیسم با پیدایش ملت پیدا می‌شود، یعنی ناسیونالیسم دعوی و داعیه شخص یا اشخاص نیست بلکه برآمده از وجود ملت است. ملت سه خصوصیت یا صفت ذاتی دارد. این صفات از یکدیگر منفک نیستند، در هر کدام می‌توانیم دو صفت دیگر را ببینیم. یعنی وقتی ملت بوجود می‌آید؛ استقلال، قدرت و حاکمیت می‌خواهد. ملت دنبال استقلال طلبی است. این معنی در اوضاع مختلف به صورت‌های مختلف بیان می‌شود. البته یک صفت یا جزء دیگر را نیز می‌توان ذکر کرد و آن هم صفت زنده شدن احساسات قومی و مفاخرت به مفاخر و گذشته تاریخی است. این صفت یا ماده ناسیونالیسم بیشتر در کشورهای غیروپایی مثل کشور ما پدید آمده و حیثاً جای صفات اصلی ملت و ملیت را گرفته است (Davari Ardakani, 1400, pp. 352 to 355). از نظر گلنر، ملت‌ها را فقط می‌توان به عنوان «عصر ناسیونالیسم» تعریف کرد. یعنی زمانی که شرایط اجتماعی عمومی، راه را برای فرهنگ‌های والای استاندارد، همگن و متمرکز پایدار هموار می‌کند که کل جمعیت و نه فقط اقلیت نخبگان را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر «ملت عبارت است از زنجیره ناگسستگی نسل‌های گذشته، حال و آینده که در بستر یک سرزمین، زندگی کرده و می‌کند» (Tale, 2010, pp. 21 to 24). همچنین «ملت به دلیل فرسایش زیرگروه‌ها و افزایش اهمیت فرهنگ مشترک و وابسته به ادبیات، بیشترین اهمیت را پیدا می‌کند» (Dikshi, 2022, p 235).

انواع ناسیونالیسم

ناسیونالیسم نیز مانند بسیاری از ایدئولوژی‌ها دارای صورت‌های مختلف است و اینکه تعریف و تفسیر متفاوتی در ناسیونالیسم ملاحظه می‌شود از این جهت است.

ناسیونالیسم استقلال طلبی

این ناسیونالیسم در مقابل استیلاي قدرت‌های استعماری و استکباری است. طرفداران آن پنجه در پنجه‌ی قدرت‌های استعماری می‌اندازند. تا بندهای رقیب را بگسلند، اما معمولاً با شکست مواجه می‌شوند و یا در میان راه می‌مانند.

ناسیونالیسم فرهنگی

در ایران به عنوان یکی از جنبه های اندیشه تجدد، وارد ایران شد و اندیشه تجدد نیز خود در نتیجه عوامل متعددی رونق یافت. برخورد با غرب و مشاهده ی ترقیات ذهن ایرانیان را به خود مشغول کرد که شکل گیری تجدد را فراهم کرد. این ناسیونالیسم در زمینه های مختلف ادامه پیدا می کند و صورت سیاسی آن به «ناسیونالیسم مثبت» می رسد. ناسیونالیسم لیبرال، نخستین شکل ناسیونالیسم است که در ابتدای قرن کنونی [بیستم] در ایران بوجود آمد و اولین نوع ناسیونالیسم در غرب که با انقلاب کبیر فرانسه پدید آمده نیز همان بود. این ناسیونالیسم به دنبال آن بود که وفاداری به ملت را به جای وفاداری به مذهب در ایران بنشانند (Qomri, 2001, p. 72). یعنی ضدیت با دین، دین زدایی و دین ستیزی. عناصر سازنده ی ملیت ایرانی از دیدگاه ناسیونالیست های لیبرال، تاریخ گذشته مشترک، فرهنگ و زبان فارسی بود. عنصر مذهب جزء ملت ایرانی به شمار نمی آمد. بنابراین، بین مسلمانان و سایر اقلیت های مذهبی نیز تفاوتی وجود نداشت و اقلیت های مذهبی از همان حقوق برخوردار بودند که مسلمانان از آنها برخوردارند. «فرهنگ مشترک والا، به جای ساختار پیچیده قبلی گروه های محلی، که توسط فرهنگ های عامیانه به صورت محلی و منحصر به فرد توسط خود گروه های خرد بازتولید و حفظ می شوند» (Dikshi, 2022, p. 233).

ناسیونالیسم مذهبی

در قرن بیستم شاهد ایجاد نوعی پیوند بین ناسیونالیسم و مذهب، بویژه در میان کشورهای شرقی هستیم که چنین وضعیتی خلاف تجربه ی اروپا است. نمونه های پیوند مذهب و ناسیونالیسم در کشورهای ایران و پاکستان نیز قابل مشاهده هست. در ایران عده ای از افراد علی رغم تعهد به مذهب، به ناسیونالیسم ابراز وفاداری کردند. این عده در صدد سازش ارزش های ناسیونالیستی با قواعد شرعی برآمدند و مدعی شدند که ارزش های ناسیونالیستی به نحوی در دین مبین اسلام نیز وجود دارد. اهدافی که توسط ناسیونالیسم مذهبی دنبال می شد، قطع نفوذ خارجی ها و جلوگیری از سلطه آنان بر ایران بود.

ناسیونالیسم باستانگرا

از آنجایی که ایران، کشوری تاریخی است؛ از سابقه تمدنی بسیاری برخوردار است که به سال‌ها قبل از میلاد برمی‌گردد. بر اساس شواهد و قرائن تاریخی، شهرهای پیشرفته‌ای در ایران باستان وجود داشته و حتی آیین حکومت‌داری نیز در آن موجود بوده است. ناسیونالیسم باستان‌گرا، دستاوردهای فرهنگی ایران قبل از میلاد را مورد تمجید قرار می‌داد و در طلب یک ایرانی‌ت ناب از نوع ساسانی آن بود و از سوی دیگر به ماندگاری قوم ایرانی و فرهنگ آن در دوران اسلامی به دلیل غنای این فرهنگ، تکیه داشت. «این ناسیونالیسم، به شکل گزاف‌گرایانه خود، بر گمانی از ایرانی‌ت ناب، تکیه داشت که ناگزیر با اسلام به عنوان بیگانه با ایرانی‌ت ناب، ستیز داشت و یا می‌خواست آن را نادیده انگارد یا اگر بشود یک دین ایرانی بیافزایند یا دین گذشته ایرانی را دوباره زنده کند». اما پروژه رضا شاهی سعی می‌کرد تا ارزش‌های باستانی ایران پیش از اسلام را دوباره احیا کند. لذا تلاش می‌کرد و انمود کند که ایران قبل از اسلام، از شکوه و عظمت برخوردار بود که توسط پادشاه‌ها بوجود آمده بود. بر این اساس «بعد از کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان، فراماسونرها نیز جهت حذف ایدئولوژی اسلام و تقویت رژیم شاهنشاهی پهلوی برای تنویر کردن مفاهیم مرتبط با شاهنشاهی به تقویت باستان‌گرایی و کیش زرتشتی به عنوان دین رسمی ایران تلاش می‌کنند» (Shafi'i, 2024, p. 21).

ناسیونالیسم منفی و مثبت^۱

در رابطه با ناسیونالیسم تقسیم‌بندی دیگری نیز وجود دارد که تحت عنوان ناسیونالیسم منفی و ناسیونالیسم مثبت قابل طرح است. در ناسیونالیسم منفی وابستگی و علاقه به خود و جماعت خودی، همراه با گرایش‌های منفی و نفی دیگران همراه است؛ یعنی اثبات وابستگی فرد به یک ملت، او را در مقابل خانوادهٔ جهانی‌اش قرار می‌دهد. در این ناسیونالیسم افراد دچار افراط در علاقه به قوم و ملت خویش می‌شوند که یک نوع مرض دل است. ملت‌ها نیز دچار تنافس و تفاخر نژادی می‌شوند و تلاش می‌کنند با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم، برتری خود را اثبات کنند. این تفاخر، به

1 . Positive and Negative Nationalism

جنگ‌های بین‌المللی و خونریزی‌ها و خرج‌های کلان و نابود کردن حقوق دیگران هم کشیده می‌شود. به عبارت دیگر؛ «ناسیونالیسم منفی می‌تواند به نفرت نسبت به سایر ملت‌ها یا جوامع منجر شود، که باید از آن اجتناب کرد» (Rajak, 2025)

در ناسیونالیسم مثبت، فرد خود را وابسته به کشور و ملتی خاص می‌داند و به میهن خود علاقه دارد، از این‌رو نه تنها ملل و اقوام دیگر را نفی نمی‌کند بلکه به حقوق آنها نیز احترام می‌گذارد. همچنین، ناسیونالیسم مثبت موجب ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و تقویت گرایش‌های مختلف قومی، طایفه‌ای و ملی می‌شود. می‌توان گفت ناسیونالیسم مثبت برخلاف سیاست استعمارگران است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند؛ «از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های استعمارگران برای تسلط بر ملل مسلمان، ایجاد تفرقه میان مسلمین و جلوگیری از اتحاد آنان بوده است».

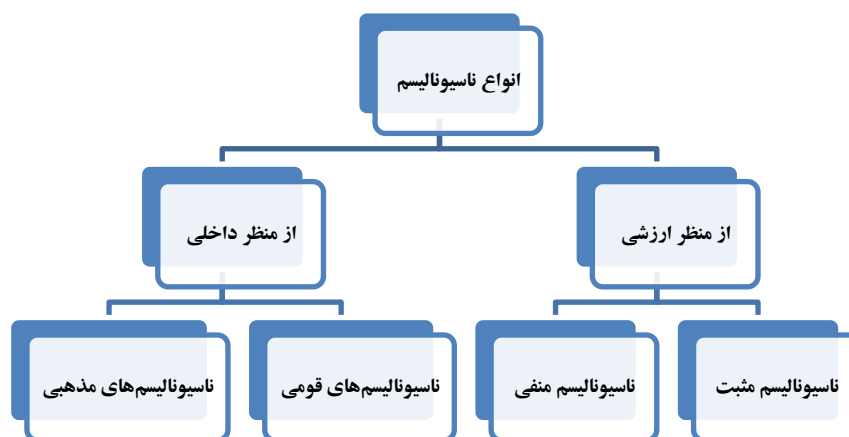
«بندیکت اندرسون» نیز در مورد ناسیونالیسم می‌نویسد؛ وی نه تنها آن را زشت نمی‌داند، بلکه معتقد است، ناسیونالیسم می‌تواند به عنوان یک ایدئولوژی جذاب باشد. در حالی که محققانی مانند گلنر و هابسبام، نگرشی کاملاً خصمانه نسبت به ناسیونالیسم دارند.

در جدول ۱، انواع ناسیونالیسم با تأکید بر خاستگاه، رویکرد و ایدئولوژی هریک به تفکیک بیان شده است.

جدول ۱، انواع ناسیونالیسم را با خاستگاه، کارکرد و ایدئولوژی بیان کرده است.

ناسیونالیسم	خاستگاه	کارکرد	ایدئولوژی
ناسیونالیسم مذهبی	تقدم ارزش‌های مذهبی	تعهد به مذهب، سازش ارزش‌های ناسیونالیستی با قواعد شرعی	توجه به هنجارهای دینی و اعتقادی
ناسیونالیسم باستانگرا	احساس تعلق به دوران ایران باستان	دین‌زدایی و دین ستیزی، پرداختن به ایرانیت ناب	احیای ارزش‌های قبل از اسلام و باستانگرایی
ناسیونالیسم منفی	علاقه به خود و جماعت خودی	عملکرد افراطی و نفی دیگران در علاقه به قوم و ملت خویش	اثبات برتری با اتکا به نژاد و ناسیونالیسم
ناسیونالیسم مثبت	وابستگی به کشور و علاقه‌مندی به مبین	تعامل و احترام متقابل به سایر اقوام – ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی با گرایش‌های قومی مختلف	وابستگی به کشور و ملت خود احترام به سایر ملل و اقوام مختلف
ناسیونالیسم مدنی	ملت تحت حاکمیت قانون اساسی کشور	رعایت حقوق شهروندی فارغ از تعلقات قومی و مذهبی	التزام به اجرای قانون اساسی و پابندی به نظام سیاسی

شکل ۱، انواع ناسیونالیسم را از منظر ارزشی و داخلی یک کشور بیان کرده. این تقسیم‌بندی ناسیونالیسم از بُعد ارزشی دارای جنبه مثبت و منفی می‌باشند که تأثیر و کارکرد متفاوتی دارند. در تقسیم‌بندی از منظر داخلی نیز صرفاً به ناسیونالیسم قومی و مذهبی پرداخته است.



شکل ۲؛ انواع ناسیونالیسم از منظر ارزشی و داخلی را بیان می‌کند.

زمینه‌های سیاسی – اجتماعی پیدایش ناسیونالیسم جدید در ایران

پیدایش ناسیونالیسم در ایران در خلاء صورت نگرفته، بلکه از واقعیاتی ناشی شده که شامل برخورد‌های نظامی، اقتصادی و فکری ایران با جهان پیشرفته و صنعتی غرب بوده است. از هم گسیختگی درونی جامعه ایران، ساختار اجتماعی عشیره‌ای، ساختار ناکارآمد سیاسی، فقدان امنیت فردی، استعمار و استثمار بیگانگان نیز بدان شدت بخشیده.

در طول جنگ جهانی اول و سال‌های اولیه پس از آن، میهن‌پرستی و وطن‌دوستی همچنان در زمینه بازتولید انرژی و نیروی روانی عاطفی مورد نیاز پروژه دولت – ملت‌سازی جدید ایرانی، نقش مهمی ایفا کرد. روی کار آمدن رضا شاه و تشکیل سلسله پهلوی در سال ۱۳۰۴ را می‌توان سرآغاز دوران حکومت مطلقه مدرن ایرانی قلمداد کرد. هویت جدید مورد نظر وی در قالب پروژه تجدید قابل تعریف بود. در این پروژه چهار اصل مورد توجه قرار گرفتند. اول دولت‌گرایی، دوم ایجاد جامعه‌ای شبه غربی، سوم پهلویسم یا ایران‌گرایی و شاه‌پرستی و چهارمین اصل نیز سکولاریسم بود.

تاریخچه، تعاریف، متغیرها، ابعاد، مولفه‌ها، عوامل تأثیرگذار مرتبط با مسئله پژوهش به منظور ظهور شکاف نظری گزارش شود.

پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش منابع مختلفی مورد بررسی قرار گرفت. تا کنون کتب و مقالات مختلفی در باب ناسیونالیسم به رشته تحریر در آمده، برخی از این منابع عبارتند از:

جدول ۲. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	اوموت اوزکریملی سال ۲۰۰۰ در سال ۱۳۸۳ توسط آقای محمدعلی قاسمی ترجمه شده	نظریه‌های ناسیونالیسم	مروری جامع، بی‌طرفانه و انتقادی بر مباحث جاری مرتبط با ناسیونالیسم را مطرح کرده علت ورود دیر هنگام محققین به بحث ناسیونالیسم را؛ دو دلیل بیان می‌کند. یکی بی‌تفاوتی کلی دانشمندان علوم اجتماعی نسبت به ناسیونالیسم و دوم این‌که ناسیونالیسم را معادل مظاهر افراطی آن در نظر می‌گرفتند که به ظاهر تهدیدی برای دولت‌های موجود تلقی می‌شد. وی بیان می‌دارد که؛ ناسیونالیسم گفتمانی است که به‌صورت مداوم آگاهی‌ها و شیوه فهمان را از معنای جهان شکل می‌دهد.
۲	آنتونی دی. اسمیت سال ۲۰۰۱	ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ	عمدتاً بر مباحث نظری و مطالعات تجربی تأکید داشته. ابعاد گوناگون ناسیونالیسم را با رویکرد نظری، تاریخی و ایدئولوژیک و تبیین، پارادایم‌های اصلی این حوزه مورد بحث قرار داده.
۳	اثر گلن جی بارکلی سال ۱۳۶۹ توسط آقای یونس شکرخواه ترجمه شده	ناسیونالیسم قرن بیستم	با ارائه تصویر قرن بیستم عصر ناسیونالیسم و انواع آن را بیان کرده است. در بحث پیامدهای جنگ جهانی اول بر ناسیونالیسم؛ اذعان کرده که جنگ این حقیقت را آشکار کرده است که ناسیونالیسم و امپریالیسم دو روی یک سکه‌اند.

جدول ۲. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۴	اثر ریچارد کاتم توسط آقای احمد تدین (۱۳۷۱) ترجمه گردیده است. چاپ ششم این کتاب در سال ۱۳۹۹ منتشر شده.	ناسیونالیسم در ایران	بخش‌هایی از آن حاصل گفتگو و مصاحبه با شخصیت‌های ایرانی است؛ از دیدگاه‌های متنوع و متفاوتی برخوردار بوده‌اند. به اعتقاد کاتم؛ تاریخ و فرهنگ مشترک در پیدایش و یکپارچگی ناسیونالیسم بسیار مؤثر بوده‌اند. منتهی آمیختن این مؤلفه‌ها به مذهب و ایدئولوژی شیعه موجب می‌شود ناسیونالیسم ایران قدری عجیب جلوه کند. وی از مأموران سازمان سیا و در نیمه نخست دهه ۱۹۵۰، گرداننده تیم عملیات پنهانی آن سازمان در ایران بود.
۵	هوشنگ طالع ۱۳۸۹	ناسیونالیسم ایرانی	بن مایه ناسیونالیسم ایرانی را مکتب اصالت منافع، یعنی برتری منافع ملی بر منافع فردی برشمرده است. و بیان کرده که؛ در مکتب ناسیونالیسم ایران، فرد با حفظ همه‌ی ویژگی‌های خود، مانند شخصیت، موقع و موضع اجتماعی، حقوق انسانی و غیره، منافع ملی را برتر از منافع شخصی خود می‌شناسد و حتی آماده است با فداکردن خود بتواند منابع ملی را از گزند دشمنان دور نگاه دارد.
۶	داریوش قمری (۱۳۸۰)	تحول ناسیونالیسم در ایران ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰	این کتاب با رویکرد بحث پیرامون عوامل مؤثر در تحول ناسیونالیسم تدوین شده. نویسنده معتقد است؛ علاوه بر زبان که مبنای تشکیل ملت می‌باشد، عناصر دیگری نیز از قبیل نژاد، مذهب، سرزمین، فرهنگ، عوامل اقتصادی و عوامل سیاسی در تشکیل ملت‌ها مؤثرند. وی گرایش‌های ناسیونالیستی را از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ با تأکید بر ناسیونالیسم لیبرال، مذهبی و باستان‌گرا، ناسیونالیسم چپ توده‌ای، ناسیونالیسم بیگانه‌ستیز، نژادگرا و شکل‌گیری ناسیونالیست‌های قومیت‌گرا را با تشریح قومی ترک و کرد

جدول ۲. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
			شرح و تفسیر نموده است.
۷	رضا داوری اردکانی (۱۴۰۰)	درباره ناسیونالیسم، ملت و ملیت	این کتاب حاصل یکی شدن دو اثری است که قبلاً با عناوین ناسیونالیسم، استقلال و حاکمیت (۱۳۶۴) و ناسیونالیسم و انقلاب (۱۳۶۵) منتشر شده بود، براساس درک تاریخی و با نظر به شرایط و امکان عمل سیاسی در کشور نوشته شده و نوشته‌ای در فلسفه سیاست است. بر همین اساس بیشتر با رویکرد فلسفی به ناسیونالیسم نگریسته و معتقد است؛ ناسیونالیسم در کشور ایران تاریخ صدساله دارد. و آن را نباید با عصبیت‌های قومی اشتباه گرفت.
۸	سیدآیت‌الله میرزایی (۱۳۹۹)	ناسیونالیسم و قومیت در ایران	وی تلاش نموده با رویکردی انتقادی از ناسیونالیسم ایرانی و قومیت بازسازی مفهومی نموده و آن را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. از این‌رو؛ ناسیونالیسم ایرانی را با چهار گرایش باستانی، مذهبی، مدنی و دولتی به‌عنوان پیش‌فرض مورد مطالعه و بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی ناسیونالیستی در ایران مثلث/سه‌گانه است (باستانی، مدنی، مذهبی) تا مربع/چهارگانه (باستانی، مدنی، مذهبی، دولتی). بین دو ناسیونالیسم مذهبی و دولتی نیز هم‌بستگی قوی وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

کارکردهای ناسیونالیسم ایرانی

ناسیونالیسم ایرانی پس از قرن‌ها که از زیر سلطه مهاجمان گوناگون به تدریج با تکیه بر قدرت پارلمانی هویت خویش را احیا می‌کرد، مبنای ملیت را خویشاوند خواندن همه قومیت‌های پیرامونی با قومیت مرکزی قرار داد، برای مثال ترک‌ها را ترک زبان یا عرب‌ها را عرب زبان

خواند، تا بدین وسیله نشان دهد که قومیت‌های پیرامونی همگی از خویشاوندان و عزیزان قومیت مرکزی هستند.

دکتر پیروز مجتهدزاده مطلبی از قول پیتر تایلور زیر عنوان «ناسیونالیسم نیروی بازسازنده» آورده، می‌نویسد:

«پیتر تایلور ایران را بهترین نمونه این نقش آفرینی ناسیونالیسم معرفی می‌کند. تلاش ایرانیان برای بازسازی هویت و ملیت ایرانی خود در دوران خلافت عباسی... در دوران صفوی و در مقابل خطر چیرگی عثمانی، از اواخر دوران قاجاریه و اوایل دوران پهلوی برای تجدید حیات فرهنگی نمونه دوام نقش آفرینی این نیرو در یک ملت است. چنان که همین نیرو، در پی انقلاب اسلامی ایران، کوشیده است تا رویه‌های رنگ باخته جنبه دینی از هویت ایرانی را بازسازی کند و غرور استقلال خواهی ملی را تجدید نماید».

از مطالب فوق روشن است که هویت و ملیت ایرانی صرفاً جنبه تدافعی داشته و در برابر خطرات درونی و بیرونی کوشیده است تا این هویت و ملیت را حفظ و بازسازی نماید. در ادامه برخی از مصادیق مرتبط با رفتارهای ناسیونالیستی با رویکرد مثبت آن و با تأکید بر مناطق آذری‌نشین مورد بحث قرار می‌گیرد.

ابراز تنفر از بیگانگان

از مهمترین کارکردهای ناسیونالیسم در این مقطع که با توجه به ارزش‌های نهفته در آن موجب بروز رفتارهای بیگانه‌ستیزی در مردم ایران شد؛ می‌توان به ابراز تنفر از بیگانگان اشغالگر اشاره کرد. ورود بیگانگان به کشور ایران که به بهانه‌های واهی انجام پذیرفته بود و از شمال و جنوب به پیشروی در خاک ایران پرداختند. یکی از پیامدهای مهم چنین اشغالی، ایجاد حس تنفر در بین مردم این کشور بود. اشغال ایران به گسترش بیداری فکر استقلال در کشور منجر گردید. البته قبلاً نیز مخالفت‌هایی به حضور بیگانگان در ایران و اعطای امتیازات، مخالفت با قرارداد استعماری ۱۹۰۷، مقاومت در برابر اشغال ایران در جنگ جهانی اول، را شاهد هستیم. لیکن آنچه بیگانه‌ستیزی ایرانیان را نسبت به دوره‌های قبلی متمایز می‌کند؛ شدت حس بیگانه‌ستیزی و گسترش آن در این مقطع زمانی است.

هدف اصلی این ناسیونالیسم، قطع کامل دخالت‌های بیگانگان و رسیدن به استقلال ملی بود. این روحیه تنفر و انزجار از بیگانگان منحصر به کل کشور بود. لیکن مردم مناطق آذری‌نشین نیز از این قاعده مستثنی نبودند بلکه ابراز تنفر و انزجار از بیگانگان با حساسیت قابل وصفی در قالب ناسیونالیسم با رویکرد مثبت برساخته شده بود. مخالفت با انواع قراردادهای انحصاری توتون و تنباکو، مشارکت در نهضت مشروطه به رهبری ستارخان و باقرخان، مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ که موجب واگذاری امتیاز احداث راه‌آهن شمال - جنوب و راه‌های شوسه به انگلستان می‌شد. شدت انزجار به حدی بود که؛ مردم تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی علیه این قرارداد دست به قیام زدند. مهمترین کارکرد و دستاورد این اعتراض‌ها و مخالفت‌ها منجر به لغو قرارداد ۱۹۱۹ گردید. طبق نظریه جوامع خیالی «بندیکت اندرسون»^۱ «اگرچه اکثر اعضای یک ملت واحد یکدیگر را نمی‌شناسند، اما تصویر اتحادشان آنها را گرد هم می‌آورد. مفهوم جوامع خیالی اندرسون این ایده را در بر دارد که ملت‌ها را می‌توان دوباره تصور کرد و بنابراین متحول ساخت». وجود رهبران دینی و سیاسی در مقاطع مختلف ایده و نگرش ملت را نسبت به مخالفت با حضور بیگانگان در کشور ایران برساخت که برآیند آن ابراز عملی تنفر از بیگانگان بود.

مقابله با اشغالگران روسی

نیروهای شوروی پس از ورود به آذربایجان از طریق مرز جلفا در سوم شهریور، صبح روز چهارم شهریور از مرند حرکت کرده و بدون هیچ مقاومتی به صوفیان رسیدند. اشغالگران مقارن ظهر بدون برخورد و مقاومتی به تبریز وارد شدند (Chehrehgosha, 2019, p. 27). در این موقع سربازانی که مأمور دفاع از شهر و مقاومت بودند، با جانفشانی تمام جنگیدند و کشته شدند و بقیه هم که تا آن روز تانک و زره‌پوش ندیده بودند، عاجز مانده بودند عقب‌نشینی کردند. در حوالی پل آچی‌چای منجم و دروازه مرند عده زیادی از سربازان غیور تبریزی به شهادت رسیدند (Chehrehgosha, 2019). این رشادت و از خودگذشتگی نمونه عینی از عشق به سرزمین و میهن بود که تا پای جان در دفاع از آن ایستادند و مقاومت کردند. به نظر می‌رسد «برخی احساسات ممکن است ریشه در شرایط اجتماعی داشته باشند و به وسیله آن‌ها برانگیخته شوند» (Gellner, 1997, p. 26). شرایط و محیط اجتماعی نیز در فضای تعاملات و ارتباطات برساخته می‌شوند.

1. Bandikt Anderson

غائله آذربایجان و جعفر پیشه‌وری

در پانزدهم نوامبر ۱۹۴۵ (۲۵ آبان ۱۳۲۴) با حمایت شوروی حکومت یاغی و غیر قانونی، تحت عنوان فرقه دموکرات آذربایجان، که جعفر پیشه‌وری ریاست آن را داشت، اعلام موجودیت کرد.

درحالی که فشار و هدایت اتحاد شوروی در این شکل‌گیری حرکت تجزیه‌طلبانه از عوامل اصلی بوده است. "شاید، پیشه‌وری و قاضی محمد، به وعده مأموران شوروی، دایر به حمایت از آنان، با وجود خروج ارتش سرخ از ایران، همچنان، دل خوش داشتند، یا این که می‌پنداشتند که، علی‌رغم عقب‌نشینی نیروهای شوروی از ایران، در صورت حمله نیروهای دولت مرکزی به آذربایجان و کردستان، اتحاد شوروی به مقابله برخواید خاست و تا حد، پیاده کردن مجدد نیرو در ایران، پیش خواهد رفت" (Dabiri, 2007, p. 280).

در آذربایجان، پیش از آن که واحدهای ارتش دولت مرکزی وارد آن سامان شوند، مردم از کلیه قشرها و طبقات، کشاورزان، کارگران و کسبه، به محض مشاهده نخستین علائم از هم پاشیدن رژیم، به دموکرات‌ها هجوم آورده و آنان را قتل عام کردند. این عکس‌العمل، خود نشانه همه عمق نفرت مردم از سردمداران رژیم فرقه دموکرات بود. این وضعیت، به خصوص، از این لحاظ سزاوار توجه است که آذربایجان دارای پلیس مخفی قدرتمندی بود که، برای مقابله با هر احتمالی آمادگی کامل داشت (Dabiri, 2007, p. 282). این که مردم خطه آذربایجان در هنگام فروپاشی فرقه دموکرات هیچ‌گونه حمایت و پشتیبانی از این جریان به عمل نیاوردند، یکی از نشانه‌های بارز برتری حس وطن‌دوستی و وطن‌پرستی محسوب می‌شود. این رویکرد با نظر ارنست گلنر مطابقت دارد؛ «آنها به مردم و فرهنگش عشق می‌ورزند، عشق صادقانه و عمیق» چون «ناسیونالیسم نتیجه ضروری شرایط اجتماعی خاصی است» (Gellner, 1997, p. 25). واگرایی نسبت به اشغالگران سرزمین آذربایجان و عدم همراهی با آنان در نتیجه عشق عمیق به سرزمین در فرایند زمانی یک‌ساله بر ساخته شد و در این مقطع حساس با ظهور و بروز خود منجر به فروپاشی فرقه دموکرات گردید.

عکس‌العمل نسبت به توافق روسی و انگلیسی

نمونه‌ای دیگر از خشم مردم نسبت به حضور بیگانگان در سرزمین ایران و ایجاد سلطه در آن را در روند حوادث انقلاب مشروطه می‌توان دید. توافق روسی و انگلیسی در افکار عمومی ایرانیان کاملاً محکوم شد و مردم از شنیدن خبر امضای قرارداد دو دولت به خشم آمدند. در این روند اتفاقاتی افتاد که منجر به قدرت گرفتن مجلس شد و موجب به توپ بستن مجلس توسط روس‌ها گردید، به نحوی که مدافعین مجلس "دستور نداشتن به افسران روس شلیک کنند" (Foran, 1998, p. 264) زیرا از این که روسیه به مداخله همه جانبه پردازد وحشت داشتند.

تبریز محور مقاومت

اندکی بعد از کودتای ژوئن (خرداد - تیر) شاه، رحیم‌خان رئیس یکی از قبایل وارد تبریز شد تا به نام شاه قدرت را به دست بگیرد. مشروطه خواهان اعم از پیشه‌وران، بازرگانان و دیگران، در راستای مخالفت با وی برآمده و واحدهای مجاهد را تشکیل دادند. به نحوی که در ماه اکتبر (مهر و آبان) مشروطه خواهان که سازمان یافته بودند توانستند قوای شاه را از شهر بیرون برانند. اما آنها تلاش کردند شهر تبریز را محاصره کنند. در نوامبر ۱۹۰۸ (آبان - آذر ۱۲۸۷) نیروهای مشروطه خواه توانستند کنترل تمامی شهرهای آذربایجان را به دست بگیرند که در این هنگام انجمن ملی تبریز به اداره امور این شهرها پرداخت. مقاومت تبریز به رغم ناکامی نهایی آن، برای مردم سایر ایالت‌ها فرصتی بود تا مشروطه خواهان مخالف شاه بتوانند؛ جهت ادامه مبارزات به سازماندهی مجدد پردازند. به خصوص رشت و اصفهان در این زمینه بسیار فعال بودند.

با توجه به محور بحث در این پژوهش می‌توان ادعا کرد که با بررسی نیروهای اجتماعی مؤثر در انقلاب مشروطه مشاهده می‌شود که در این انقلاب؛ "با یک حرکت مردمی، دموکراتیک، توده‌ای و شهری روبرو هستیم" (Foran, 1998, p. 272) ... همچنین "مشارکت گسترده و اساسی زنان و مردم مناطق گوناگون کشور و گروه‌های قومی و نیز جریان‌های تند و ریشه‌ای مردم آذری - ترک زبان آذربایجان و فارس زبانان مناطق ساحلی دریای خزر با گویش خاص محلی‌شان - شایان ذکر است" (Foran, 1998, p. 272).

بازرگانان تبریز بخصوص در انقلاب مشروطیت فعالیت داشتند و به سازماندهی مقاومت تبریز کمک مالی می کردند. بازرگانان تبریزی مقیم خارج خاصه استانبول نیز پشتیبان نهضت بودند. علاوه بر آن پیشه‌وران در تبریز نیز پیشگام انقلاب بودند. دیگر اینکه، ستارخان که شغلش خرید و فروش اسب بود و باقرخان، بنای سنک کار، مقاومت مسلحانه تبریز را سازماندهی و رهبری کردند، به پیشه‌وران و مغازه‌داران که پایگاه توده‌ای مجاهدین بود اتکا داشتند (Foran, 1998, p. 274). در سرکوب مردم تبریز در سال ۱۹۱۱ - ۱۹۱۲ م / ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ ش هجده نفر از سی نفر تبریزی اعدام شده صنعتگر و مغازه‌دار بودند.

جنبش‌های اجتماعی تبریز در سلطنت رضاشاه

در سال ۱۹۲۸ م / ۱۳۰۷ ش در تبریز اعتراض‌های پدافند تری صورت گرفت و نیروهای مسلح به سرکوب اعتراض پرداختند و رهبران معترض را به تبعید فرستادند.

در سال ۱۳۰۹ نیز کارگران کبریت‌سازی اعتصاب کردند. بعضی از این اعتصاب‌ها با موفقیت همراه بود و اعتصابگران امتیازهایی گرفتند. بعضی نیز به شکست انجامید و اعتصابگران توقیف شدند (Foran, 1998, p. 375).

یرواند آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب می گوید: «مردم تبریز سخت متعصب‌اند. پارسال در ایام عزاداری و شور مذهبی، خارجیان در خطر قتل‌عام قرار داشتند. در سال ۱۲۶۴ ش میسیونرها به دلیل ترس از قتل‌عام مجبور شدند موقتاً در داخل شهر حبس شوند».

قبل از انقلاب مشروطه پنج سازمان تأسیس شد که عبارت بودند از: مرکز غیبی، حزب اعتدالیون عامیون، جامع آدمیت، کمیته انقلابی و انجمن مخفی - مرکز غیبی را دوازده تن رادیکال جوان وابسته به روزنامه گنجینه فنون در تبریز تشکیل دادند (Abrahamian, 1998, p. 70). با مطالعه روند شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی، نقش و تأثیر بازیگران فعال عرصه‌های اجتماعی غیرقابل انکار است. تعاملات و ارتباطات اجتماعی، هنجارها، نگرش‌ها و ادراک افراد را در فرایند زمانی تحت تأثیر قرار داده، بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی را با مدیریت رهبران سیاسی اجتماعی برمی‌سازد.

واقعۀ مدرسهٔ طالبیه تبریز

واقعۀ مدرسهٔ طالبیه تبریز را می‌بایست نقطهٔ عطف مبارزات مردم تبریز دانست. این واقعۀ که همزمان با فاجعهٔ مدرسهٔ فیضیهٔ قم در دوم فروردین ۱۳۴۲ مصادف با سالگرد شهادت امام صادق علیه‌السلام رخ داد. درحالی‌که در تعدادی از مساجد تبریز مراسم عزاداری برپا بود. سید محمد الهی در شرح خاطراتش می‌گوید: ما از دور ناظر بودیم مأموران یکی از طلاب را بدون عبا و عمامه گرفته بودند و از درب مسجد بیرون آوردند کسانی که در آنجا بودند، با دیدن آن صحنه همه تحریک شدند و شروع کردند به سنگ انداختن به طرف مأموران. مأموران هم شروع به تیراندازی کردند (Beigi, 2003, p. 60).

محرم سال ۱۳۴۲؛ روز چهارم خرداد، شهربانی تبریز، وعاظ آن شهر را جمع کرد و از آنها خواست که متعهد شوند مسائل سیاسی را در منابر بازگو کنند، ولی وعاظ گفتند که این تعهد را نمی‌پذیرند و بر منبر هم نمی‌روند. تا این‌که مقاومت بازاری‌ها و نبودن وعاظ منجر به تسلیم شهربانی شد و بدین صورت وعاظ به خواسته‌های خود رسیدند و قرار شد از روز هشتم محرم، منابر سیاسی شود و طبق هماهنگی با قم، وقایع فیضیه در مجالس مطرح گردد (Beigi, 2003, p. 62).

دورهٔ نخست وزیری مصدق

نکته جالب توجه در رفتارهای ناسیونالیستی و اعتقادات مذهبی مردم آذربایجان، این‌که این روحیه، در دورهٔ نخست وزیری مصدق باز هم خود را آشکار می‌سازد. علی‌رغم آن‌که بعد از اشغال آذربایجان بار دیگر ارتش و زمینداران بزرگ بر آذربایجان و نمایندگی آن در مجلس شورای ملی مسلط شدند، وقتی مصدق نخست وزیر ایران شد، کل مجموعه پیچیده سیاسی آذربایجان دستخوش دگرگونی گردید. هیچ‌یک از ایالت‌های ایران مانند آذربایجان، تمام و کمال به نهضت ملی مصدق نپیوستند. در سال ۱۳۳۰ ش. ۱۹۵۱ م. در مبارزهٔ انتخاباتی که در تبریز صورت گرفت؛ حتی شهرهای کوچک آذربایجان به نهضت ملی و نمایندگی آن رأی دادند. جالب‌تر آن‌که هرچند آزادی بیان در تبریز و آذربایجان در سالهای ۳۰-۱۳۲۹ ش. / ۵۱-۱۹۵۰ م. بی‌سابقه بود لیکن کمترین سخنی از تجزیه‌طلبی و جداسازی آذربایجان از ایران به میان نیامد (Sadeghinia, 2009, p. 95). که این نیز دلیلی بر رویکرد اتحاد و انسجام در مناطق آذری‌نشین

می‌باشد. زیرا در این مقطع هم بهترین فرصت را در اختیار داشتند تا نسبت به تحقق بخشیدن اهداف تجزیه‌طلبی خود اقدام نمایند. لیکن همگرایی که با حکومت مرکزی در این مناطق وجود داشت مانع از بروز رفتارها و اقدامات تجزیه‌طلبانه گردید.

موضع‌گیری نسبت به دستگیری امام خمینی(ره)

عکس‌العمل مردم تبریز نسبت به دستگیری امام خمینی(ره) "وقتی خبر دستگیری امام و اتفاقات ۱۵ خرداد به تبریز رسید، همه جا تعطیل شد و سخنرانی‌ها و منبرهای تند مجدداً شروع شد. عده‌ای از اهالی تبریز به طرف تهران حرکت کردند تا در اعتراضات شرکت کنند. گروهی از مردم تبریز با پوشیدن کفن به تظاهرات ادامه دادند. دانشجویان در جریان مبارزات اسلامی حضور فعال داشتند، اما با حرکت بازاریان تبریز قوی‌ترین و منسجم‌ترین برخورد نسبت به این واقعه اتخاذ گردید^۱."

مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

در راستای مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی؛ از سوی علما و وعاظ تبریز اعلامیه‌های مختلفی صادر گردید، اعلامیه علما و روحانیون در تبریز چنین بود:

در تعقیب تلگراف عدیده حضرات مراجع آیات عظام قم و نجف (دامت برکاتهم) در باره تصویب نامه اخیر دولت که برخلاف آیین مقدس اسلام و قانون اساسی ...، بدین وسیله جامعه روحانیت آذربایجان تا حصول نتیجه قطعی و اعلام صریح الغای مواد سه‌گانه، پشتیبانی کامل خود را از مراجع بزرگ و پیشوایان دینی اظهار نموده و در دفاع از حریم مقدس اسلام و قرآن از انجام هیچ‌گونه وظیفه دینی خودداری نخواهد نمود.

علاوه بر صدور اعلامیه مذکور در تاریخ ۱۳/۰۸/۱۳۴۱، تلگراف دیگری به آیت‌... سیدمحمد بهبهانی مخابره کردند. وعاظ تبریز هم با ارسال تلگراف به آیت‌... بهبهانی و تهیه اعلامیه در نهضت شرکت کردند. روحانیون برای آگاه نمودن طبقات مختلف مردم، تبلیغات وسیع و گسترده‌ای در مساجد و بالای منابر صورت دادند و خطرهایی که از سوی نظام حاکم، اسلام را

۱. پایان نامه؛ نقش و جایگاه تبریز در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ص ۶۵. فرانک بیگی، میاندوآب.

تهدید می‌کرد، بازگو کردند.^۱ این فرایندی است از تأثیر بازیگران فعال دینی اعم از علما و مجتهدین در شکل‌دهی به انسجام اجتماعی و اتخاذ رویکردهای متناسب با شرایط محیطی در مقابله با سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی متعارض با منافع ملی.

پیشتازی در همراهی با انقلاب اسلامی

مشاهده می‌شود که در آذربایجان نه تنها تجزیه‌طلبی که ساخته و پرداخته برخی از روشنفکران می‌باشد، هیچ جایگاهی نداشته بلکه روحیه ناسیونالیستی مثبت با روحیه مبارزه با استبداد داخلی و وابستگی به قدرت‌های خارجی تلفیق گشته و همواره خواهان ایرانی مستقل و آزاد بوده‌اند. اگر غیر از این بود، هنگامی که انقلاب اسلامی در جریان بود و کشور نیز فاقد حکومت مرکزی و مقتدر بود، نه تنها اثری از نیروهای گریز از مرکز و جدایی طلب قومی دیده نمی‌شود، بلکه این مردم تبریز و خطه آذربایجان بودند که به‌عنوان دومین شهر جریان شکل‌گیری قیام را رقم زدند. تنها چهل روز بعد از آن حادثه خونین قیام نوزده دی ماه سال ۵۶ مردم قم، خون انقلاب و نهضت در رگ‌های مناطق آذری‌نشین، آذربادگان و زادگاه مبارزان و عالمان یعنی تبریز، جاری شد. ۲۹ بهمن ماه سال ۵۶، نقطه عطفی بود تا با برپایی آیین‌های چهلم قیام شهرها، نهضت خمینی کبیر (ره) به یک قیام و انقلاب سراسری تبدیل شده و به بهار دلنشین پیروزی مردم در دهه فجر سال ۱۳۵۷ منتهی شود. بدون تردید پیشتازی مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، یکی از نقاط عطف انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که در منابع گوناگون به‌عنوان یکی از ریشه‌های اساسی انقلاب اسلامی ذکر شده است که ماهیتی اسلامی و مذهبی داشت. این روند نمونه‌ای دیگر از برساخته شدن روحیه مبارزاتی مردم خطه آذربایجان دارد که به‌عنوان نمونه شهر تبریز مطرح شد. لیکن سایر شهرها به تبعیت از رهبران پیشرو مذهبی و دینی سعی می‌کردند کوی سبقت را از دیگران بریابند.

1 . Thesis: The role and position of Tabriz in the process of formation and victory of the Islamic Revolution, 2003, p. 55. Frank Beigi, Miandoab.

کارکردهای ناسیونالیسم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی و ماهیت اسلامی انقلاب منجر به تحول سیاسی اجتماعی خاصی در ایران گردید. این تحول با محوریت تمرکز بر ارزش‌های اعتقادی در اقصی نقاط ایران روی داد. مناطق آذری‌نشین نیز از این قاعده مستثنی نبودند. زیرا انقلاب اسلامی باعث شد، حس وطن‌دوستی با ارزش‌های اعتقادی و مذهبی دفاع از سرزمین و آب‌و‌خاک با هم آمیخته شده و نیرو و انگیزه مضاعفی را جهت حفاظت و پاسداری از میهن اسلامی بین آحاد مردم بوجود بیاورد. در گذر این رخداد اتفاقات بسیاری در مناطق آذری‌نشین بوجود آمد که اگر حس وطن‌دوستی و توجه به سرزمین از منظر ارزش‌های اسلامی نبود، قطعاً جریان‌ها و گروه‌های معاند و مسلح تجزیه‌طلب که توسط سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای بیگانه پشتیبانی و تغذیه می‌شدند، به اهداف خود دست یافته بودند.

جهت تبیین مفهوم ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) و ارتباط آن با اسلام‌گرایی یا ایدئولوژی متذکر می‌شود که؛ هیچ‌یک از احیاگران وحدت اسلامی از سیدجمال‌الدین اسدآبادی تا آیت‌الله خامنه‌ای نه تنها مخالفتی با ملی‌گرایی عقلانی - منطقی ابراز نکرده‌اند بلکه آن را وسیله‌ای برای مقابله و رویارویی با استعمار و استکبار جهانی و ایجاد هم‌گرایی و اتحاد بین آحاد جوامع مسلمین دانسته‌اند. از این رو ملی‌گرایی احساسی و نژادی از نظر امام خمینی (ره) و شهید مطهری نفی می‌گردد.

امام خمینی (ره) برای ملت ایران دو بُعد ایرانیّت و اسلامیت قائل است که بُعد اسلامیت آن پایدارتر است، لذا ملت ایران مفهومی دینی تلقی می‌شود. از این رو؛ ملی‌گرایی به معنی دفاع از آب و خاک و سرزمین منافاتی با اسلام ندارد، ولی آنچه با اسلام منافات دارد تقدم این امور بر اسلام و ارزش‌های دینی است. در این خصوص امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«ملی‌گرایی، که به این معناست، که هر کشوری، هر زمانی بخواهد مقابل کشور دیگر و زبان دیگر بایستد، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را بر هم می‌زند» (Imam Khomeini's (RA) letter, ج ۱۵: ۴۷۱).

از نظر شهید مطهری ملی‌گرایی بر دو وجه استوار است: وجه اول بر احساسات، عواطف و تعصبات ملی و قومی و وجه دوم بر عشق، عدالت، آزادی، عقلانیت و منطق. وی همچنین معتقد

است ملی‌گرایی اگر موجب همبستگی با همسایگان گردد اسلام آن را تأیید می‌کند، اما اگر انسان‌ها را تحت عنوان ملیت‌های گوناگون به تنازع بکشاند و حقوق دیگران را نادیده بگیرد مطرود است.

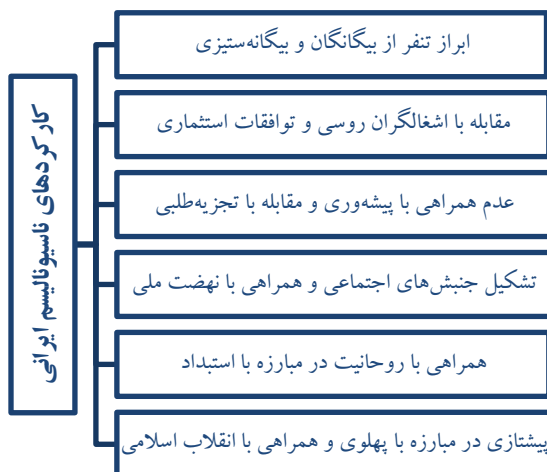
بر همین اساس ملاحظه می‌شود که اسلام‌گرایی نه تنها با ملی‌گرایی تضادی ندارد، بلکه دین و مذهب همواره به‌عنوان عاملی آرامش‌بخش و تسکین‌دهنده ملت‌ها بوده و موجب تقویت ابعاد مثبت ملی‌گرایی نیز شده است. نمونه‌های بارز این ادعا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مقابله مردم اقصی نقاط مناطق آذری‌نشین با انواع تهدیدها می‌باشد که در دهه‌های گذشته به‌وقوع پیوسته است.

به لحاظ اهمیت موضوع در ادامه این بخش به بیان یک نمونه از اقدامات که به‌مثابه کارکردهای ناسیونالیسم در مناطق آذری‌نشین می‌باشد اشاره می‌گردد.

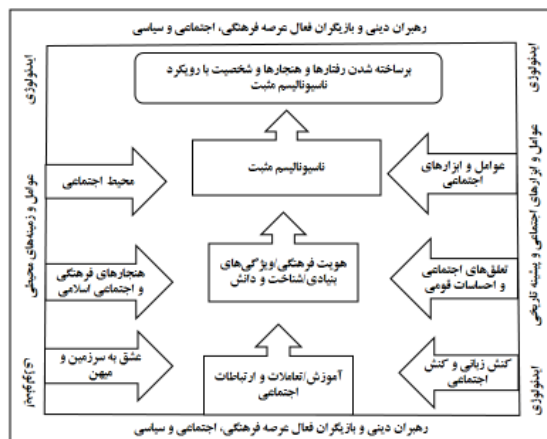
دفع غائله حزب خلق مسلمان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم آذربایجان پیوسته در حمایت از انقلاب پیشتاز بودند. در مواجهه با غائله «حزب خلق مسلمان» که سخت‌ترین آزمون سیاسی آذربایجان در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی بود نیز سربلند ظاهر شدند. تخریب مراکز فرهنگی، اشغال مرکز رادیو و تلویزیون، اردو کشی‌های خیابانی، خسارت به اموال عمومی، کشتن مردم بی‌گناه و حمله به نماز جمعه تبریز بخشی از خسارت‌هایی بود که حزب خلق مسلمان به مردم تبریز وارد کرد. امام خمینی (ره) در تاریخ یازدهم دی ۱۳۵۸ طی سخنانی از مردم آذربایجان خواستند تا خود را از این لکه‌های آلوده پاک و مبرا نمایند. بالاخره مردم با مدیریت شهید مدنی توانستند؛ پس از گذشت ۱۱ ماه از پیروزی انقلاب، آرامش را در تبریز برقرار نمایند. می‌توان ادعا کرد؛ اگر مردم تبریز در برابر فتنه «حزب خلق مسلمان»، مقاومت و ایستادگی نمی‌کردند، مشخص نبود چه پیش می‌آمد. قطعاً سرنوشت انقلاب و مردم تغییر می‌کرد. یکی از اهدافی که این حزب در سر می‌پروراند؛ اعلام آذربایجان به‌عنوان ایران آزاد بود. لیکن ایستادگی مردم در برابر فتنه‌ای که آمیخته با نفاق‌آمیزی و براساس احساسات قومی تجزیه‌طلبی و ضدّ اسلامی با رویکرد ضدّیت با نظام جمهوری اسلامی،

شكل گرفته بود، سرانجام موجب شد، مردم مناطق آذري نشين غائله حزب خلق مسلمان را دفع كنند.



شكل ۳، كاركردهای ناسیونالیسم ایرانی در مناطق آذري نشين را نشان می دهد.



شكل ۴، فرایند بر ساخته شدن ناسیونالیسم ایرانی با رویکرد مثبت که منجر به بروز رفتارهای متناسب با شرایط اجتماعی و محیطی در مقاطع مختلف زمانی می گردد.

سؤالات پژوهش

- ۱- علل پیدایش جریان ناسیونالیسم ایرانی چه بود و رویکرد مثبت آن چه اهدافی را دنبال کرده، آسیب‌های آن کدام است؟
- ۲- کارکرد ناسیونالیسم ایرانی بر مبنای نظریه برساخت‌گرایی در مناطق آذری‌نشین چه تمایزاتی در عرصه قومی، تمدنی و فرهنگی نشان می‌دهد؟

یافته‌های پژوهش

علل و ریشه‌های پیدایش جریان ناسیونالیسم در اهداف آن قابل ملاحظه می‌باشد. مدافعان ناسیونالیسم ایرانی جنبه منفی و مذموم آن را در سر می‌پروراندند اهداف عمده و اصلی ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی مقابله با مذهب و دین‌زدایی از ایران بود. از این رو، نهایت تلاش خود را جهت توسعه و گسترش باستان‌گرایی با رویکرد دین‌ستیزی و دین‌زدایی متمرکز کرده بودند. ترویج کنندگان اولیه ناسیونالیسم مانند؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده دین زردشت را مظهر قومیت ایرانی و برتر از اسلام قلمداد می‌کند، میرزا آقاخان کرمانی به ستایش ایران قبل از اسلام و به ملت و ملت‌گرایی تأکید دارد و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله نیز تمدن ایران قبل از اسلام را به نیکی یاد می‌کند و تصرف ایران به دست مسلمانان را عامل از بین رفتن عظمت این تمدن برمی‌شمارد. متعاقب آن رضاشاه نیز تلاش می‌کند تا ارزش‌های باستانی و باستان‌گرایی ایران پیش از اسلام را دوباره احیا کند. کینه‌توزی و دشمنی رضاشاه با اسلام و هنجارهای آن نیز در ادامه حکومت پهلوی بر ترویج ناسیونالیسم و ملی‌گرایی تأکید داشت. اهداف مورد توجه رویکرد مثبت ناسیونالیسم ایرانی همانا بیگانه‌ستیزی و قطع کامل دخالت بیگانگان، مقابله با اشغالگران سرزمین ایران و تحقق استقلال کشور بوده است. آسیب‌های عمده ناسیونالیسم نیز پرداختن به رویکردها و جنبه‌های منفی آن است. در صورت برساخته‌شدن آسیب‌های ناسیونالیسم؛ تجزیه‌طلبی، قوم‌گرایی، دین‌ستیزی، دین‌زدایی و ناهنجاری‌های اجتماعی ظهور و بروز خواهند کرد. بر مبنای نظریه برساخت‌گرایی مفاهیم و رویه‌های مرتبط با شرایط محیطی در فرایند زمانی با تعاملات اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، انتقال احساسات ملی و پیشینه تاریخی، علایق، کنش‌های زبانی و غیره با هدایت رهبران دینی و بازیگران فعال عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برساخته می‌شوند.

تمایزات قابل توجه کارکردهای ناسیونالیسم در مناطق آذری‌نشین همان تلفیق اعتقادات مذهبی و ارزش‌های دینی با احساسات ملی بود. این تلفیق انرژی و پتانسیل مضاعفی را به مردم این مناطق بخشید عشق عمیق به سرزمین، هویت قومی و فرهنگی را بر ساخت و توانستند در برابر اشغالگران و تجزیه‌طلبان مقاومت نموده و از تحقق اهداف راهبردی آنان جلوگیری کنند. دیگر این که پیشتازی در همراهی با انقلاب اسلامی نیز تمایزات کارکردهای ناسیونالیسم را در مناطق آذری‌نشین تأیید می‌کند. اگر چنانچه بُعد منفی ناسیونالیسم متناسب با اهداف ترویج کنندگان ناسیونالیسم در مناطق‌نشین آذری بر ساخته می‌شد، قطعاً همراهی با انقلاب نه تنها اتفاق نمی‌افتاد، بلکه ممکن بود فرصت را مغتنم شمرده و در صدد اقدامات تجزیه‌طلبی نیز برآیند. بویژه این که ایجاد قائله خلق مسلمان در مناطق آذری‌نشین نیز فرصت و زمینه‌های تجزیه‌طلبی را فراهم کرده بود. بنابراین احساس تعلق به سرزمین ایران و بر ساخته شدن هنجارهای مثبت ناسیونالیسم ایرانی می‌تواند علاوه بر توسعه امنیت اجتماعی، شکل‌گیری هرگونه شکاف قومی و اجتماعی را متوقف نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ابداع کنندگان ناسیونالیسم ایرانی بیشتر جنبه منفی و افراطی آن را دنبال می‌کردند. آن‌ها در صدد بودند تا با تشدید تعصب‌های قومی، گروهی و حزبی همراه با احساسات غیر منطقی و غیر عقلانی به ایجاد تنش در جامعه ایران پردازند. برجسته‌سازی جنبه‌های مادی ناسیونالیسم می‌تواند؛ اختلافات قومی و قبیله‌ای، اختلافات مذهبی و اختلاف سیاسی و ... را در پی داشته باشد. انگیزه‌هایی که ناسیونالیسم منفی بوجود می‌آورد انگیزه فکری و اندیشه‌ساز نیست بلکه یک حس قوم‌گرایانه یا وطن‌پرستی است، تنها به خود و منافع فردی و گروهی مرتبط با خود می‌اندیشد. این تفکر اساساً توسعه اختلافات، تنش‌ها، درگیری‌ها و ناامنی‌های اجتماعی را رقم خواهد زد. به جای کمک به کشور به آن آسیب خواهد رساند. از سوی دیگر هدف بنیادی و راهبری ترویج کنندگان ناسیونالیسم منفی به حاشیه راندن اعتقادات دینی و مذهبی بود که دقیقاً با رویکرد آنان در تضاد بود. توسعه و ترویج ناسیونالیسم افراطی ایرانی می‌تواند اندیشه تجزیه‌طلبی را افزایش دهد. تداوم این روند منجر به ایجاد شکاف قومی اجتماعی و توسعه اختلاف در جوامع اسلامی می‌گردد.

از این رو؛ بر توسعه و تقویت ناسیونالیسم مثبت در جوامع ایران بویژه مناطق آذری‌نشین تأکید می‌شود.

پیشنهاد می‌گردد با توسعه و ترویج مؤلفه‌های مثبت ناسیونالیسم، رویکردهای مثبت به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرند. این رویکرد نه تنها منافاتی با منافع ملی و توسعه جنبه‌های مختلف امنیت ملی ندارد، بلکه موجب تحکیم روابط اجتماعی بین قومیت‌های مختلف شده و انسجام اجتماعی را در مناطق آذری‌نشین نیز تقویت می‌کند. پرداختن به هرگونه اقدامات مبتنی بر جنبه‌های نژادی و قومی، منافع فردی، جریانی و انحصاری که از جنبه‌های منفی ناسیونالیسم می‌باشد؛ نه تنها توسعه شکاف‌های اجتماعی را در پی خواهد داشت، بلکه آسیب‌های موجود در بستر اجتماعی را وارد فاز تهدیدات امنیتی نیز خواهد نمود. از این جهت، لازم است کارشناسان، تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و مدیران در هرگونه برنامه‌ریزی مرتبط با مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نه تنها از دخیل دادن ابعاد منفی ناسیونالیسم خودداری کنند بلکه جنبه‌های مثبت آن را با ضریب تقویت و تحکیم نمایند. همچنین به شناسایی و مدیریت آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، که در شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی با رویکرد قومیتی مؤثرند پردازند، تا برساخت شدن ناسیونالیسم را با رویکرد مثبت رقم بزنند. برآیند این روند؛ تحکیم اجتماعی، انسجام اجتماعی، همگرایی فرهنگی اجتماعی، همگرایی سیاسی را در پی خواهد داشت.

قدردانی

✓ در این فرصت از اساتید، پژوهشگران و کارشناسان حوزه ناسیونالیسم که در تولید ادبیات تحقیق کوشیده و قلم زده‌اند نهایت قدردانی را به‌عمل می‌آورد.

فهرست منابع

- Abrahamian, Yervan. (1998). Iran Between Two Revolutions, from the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution. ranslators: Kazem Firouzmand, Hassan Shamsaveri, Mohsen Modirshanehchi. Tehran: Markaz Publishing House. (In Persian).
- Eftekhari, Alireza Asadi. Ebrahim Nezhat. Asghar. (2014). Nationalism and National Identity in the Thought of Ayatollah Khamenei. Quarterly Scientific-Research Journal "Islamic Revolution Research" Year 3, Issue 11, Summer, 19-43. (In Persian).
- Ber, Vivian. (2015). Social Constructivism, translated by Ashkan Salehi. Tehran: Ney Publishing House. (In Persian).
- Chehrehgosha, Amir. (2019). Tabriz in the Wind of Events, Political and Social Developments of Tabriz during the Years 1320-1325 AH with Emphasis on Documents and Press. Tehran: Nasim Kavir Publications. (In Persian).
- Dabiri, Dr. Mustafa. (2007). The Azerbaijan Crisis and Its Global Repercussions, Especially in the United Nations Security Council. Tehran: Namek Publishing House in Cooperation with Parvin Publishing House. (In Persian).
- Shafiee, Javad. (2024). Effective American Tools for Advancing Influence Strategies in Iran (from 1991 to 2009). Summer Security Perspectives, 17th Year, 11-39. (In Persian).
- Sadeghinia, Hamdollah. (2009). Azerbaijan from the perspective of Iranian nationalism. Historical research (scientific - research) Faculty of Literature and Humanities - University of Isfahan. New issue number 2, summer, 87-106. (In Persian).
- Tale, Houshang. (2010). Iranian Nationalism. Tehran: Samarkand Publications. (In Persian).
- Foran, John. (1998). Fragile Resistance: A History of Iranian Social Developments from the Safavids to the Years After the Islamic Revolution, First Edition, Translated by Ahmad Tadin. Tehran: Rasa Cultural Services. (In Persian).
- Qamari, Dariush. (2001). The Evolution of Nationalism in Iran 1953-1959. Tehran: Publications of the Islamic Revolution Documents Center. (In Persian).
- Gellner, Ernest. (1997). Nationalism, translated by Seyyed Mohammad Ali Taghavi. Tehran: Markaz Publishing House. (In Persian).
- Mottaqi, Rasoul Afzali, Mostafa Rashidi, Afshin. (2015). Geography, Constructivism and Constructivist Explanation of Geopolitics. Geography and Development, Summer Issue 39, 107-126. (In Persian).
- Moazzampour, Esmail. (2004). Critique and Study of Modernist Nationalism in the Era of Reza Shah. Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (In Persian).
- Naqibzadeh, Zahra. Khoshk Jan-Ahmad. (2013). Social Action from the Perspective of Meaning and Social Constructivism. International Relations Quarterly, Volume [First Issue] Seventh, Spring, 42 -9. . (In Persian).
- Dikshi, V. T. (2022). Ernest Gellner's Perspectives on Nationalism in Nations and Nationalism. International Journal of Social Science Research and Review, 230-238
- House, R. P. (2019). NATIONALISM M.A History Semester -1. new delhi: publishing house Pvt. Ltd.
- Jensen, L. (2016). The Roots of Nationalism - National Identity Formation in Early Modern Europe, 1600 -1815. Maritiem Museum Rotterdam: University of Amsterdam Press.
- Joppke, C. (2024). Neoliberal nationalism and immigration policy. Ethnic and Migration Studies, 1657-1676.
- Llobera, J. R. (1999). RECENT THEORIES OF NATIONALISM. Barcelona: University College London.
- Rajak, M. (2025, june 10). Wings. Retrieved from Wings.
- House, R. P. (2019). NATIONALISM M.A History Semester -1. new delhi: publishing house Pvt. Ltd.
- SALAH, S. (2024, Octobr). The Historical development of the concept of Nationalism.



